

زندگینامه‌ی ائمه اطهار علیهم السلام



امام سجاد
علیه السلام



امور فرهنگی و دینی شرکت آبفا هواز

درباره‌ی امام سجاد علیه السلام

علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب، مشهور به امام سجاد و زین‌العابدین (۳۸-۹۵ق)، چهارمین امام شیعیان می‌باشد. مدت امامت وی ۳۴ سال بود. امام سجاد علیه‌السلام در واقعه کربلا حضور داشت؛ ولی به علت بیماری، در جنگ شرکت نکرد. لشکر عمر بن سعد پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام او را همراه اسیران کربلا به کوفه و شام بردند. خطبه امام سجاد در شام باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت شد.

زندگی نامه امام سجاد علیه السلام

بنابر اقوال دیگر، سال تولد امام چهارم، حدود ۳۶ یا ۳۷ قمری یا سال ۴۸ ق دانسته شده است. وی بخشی از حیات امام علی علیه‌السلام و نیز دوران امامت امام حسن مجتبی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام را درک کرده است. در روز تولد امام سجاد علیه‌السلام اختلاف وجود دارد. برخی تولد او را در روز پنج‌شنبه پانزدهم جمادی الثانی ذکر کرده‌اند. اربلی روز تولد را پنجم شعبان دانسته است. نهم شعبان نیز گفته شده است.

نام و نسب مادر علی بن الحسین، از مسائل اختلافی است؛ شیخ مفید نام مادر وی را شهربانو یا شاه‌زنان، دختر یزدگرد، پسر شهریار بن کسری و شیخ صدوق، او را دختر یزدگرد، پسر شهریار پادشاه ایران می‌داند که هنگام وضع حمل او از دنیا رفته است.

امام سجاد علیه السلام و قیام کربلا

پس از آنکه مردم کوفه از امام حسین (علیه السلام) برای آمدن به این شهر دعوت کردند، امام حسین (علیه السلام) به همراه اصحاب و خانواده خویش راهی کوفه شدند. در میان راه، امام سجاد علیه‌السلام گرفتار بیماری و تب شدید شدند به گونه‌ای که در روز عاشورا قادر به ایستادن بر روی پاهای خویش نبودند.

پیش از شهادت پدر

با وجود وخامت حال امام سجاد، اما ایشان از طریق عمه بزرگوار خویش حضرت زینب سلام الله علیها و دیگر افراد از اتفاقاتی که در آن روز می‌افتاد، باخبر می‌شدند. زمانی که تمام اصحاب امام حسین علیه‌السلام به شهادت رسیدند و امام برای آخرین بار با سپاه عمر بن سعد اتمام حجت کردند و فریاد «هل من ناصر ینصرنی؟» را سر دادند و گفتند «آیا کسی هست که از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند؟ و آیا کسی هست که خدای یکتا را پرستد و از خدا بترسد و به ما کمک کند؟ و آیا کسی هست که به خاطر خدا ما را یاری نماید؟» امام زین‌العابدین علیه‌السلام صدای استغاثه شورانگیز پدر بزرگوارشان را که شنیدند، از بستر بیماری برخاستند و با وجود بیماری شدیدی که داشتند به عصا تکیه داده تا به یاری پدرش بشتابند. زمانی که امام حسین علیه‌السلام چشمشان‌شان به فرزند بیمارشان افتاد، فریاد

برآوردند، «خواهرم ام کلثوم! مگذار پسر من به میدان بیاید، مبادا که زمین از نسل آل محمد (ص) خالی شود.» این بود که عمه ایشان مبادرت کرده و حضرت سجاد را به بسترشان بازگرداندند.

وقایع پس از شهادت پدر

پس از آنکه امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، سپاهیان کوفی بدون کمترین توجه بر این که در میان خیمه ها بانوان و زنان خاندان نبوت و کودکان اهل بیت علیهم السلام هستند، به سمت خیام حرم حمله ور شدند، و عده ای دست به غارت خیمه ها و عده ای اقدام به آتش زدن خیمه ها کردند.

در بعضی از مقاتل آمده: هنگامی که خیام را آتش زدند، زینب سلام الله علیها نزد امام سجاد علیه السلام آمد و عرض کرد: «ای یادگار گذشتگان و پناه باقیمانندگان، خیمه ها را آتش زدند، ما چه کنیم؟» امام فرمودند: «علیکن بالفرار: باید فرار کنید.»

همه بانوان و کودکان در حالیکه گریان بودند و فریاد می زدند، فرار کردند و سر به بیابان ها نهادند، ولی زینب سلام الله علیها باقی ماند و کنار بستر امام سجاد علیه السلام به آن حضرت می نگریست، و امام بر اثر شدت بیماری قادر به فرار نبود.

مطابق با نقلی شمر بن ذی الجوشن خواست امام سجاد علیه السلام را بکشد، اما حضرت زینب سلام الله علیها چون از قصد شمر و یارانش مطلع

فرمود: «او هرگز کشته نمی شود مگر آنکه من کشته شوم» آنان به ناچار دست از او کشیدند.

امام سجاد و دوران اسارت

عمر سعد پس از دفن اجساد سپاهیان نزدیک ظهر روز یازدهم دستور حرکت به سوی کوفه را صادر کرد. با این دستور زنان و دختران و کودکان حرم حسینی را بر شتران بدون جهاز سوار کردند و همانند اسیران بلاد کفر به سوی کوفه حرکت دادند.

نوشته اند هنگام بردن اسیران از کربلا به کوفه، بر گردن علی بن الحسین علیه السلام غل و جامعه نهادند و چون بیمار بود، و نمی توانست خود را بر پشت شتر نگاه دارد هر دو پای او را بر شکم شتر بستند.

جذلم بن بشیر می گوید: در سال (۶۱ هجری) موقع آمدن علی بن حسین از کربلا به کوفه، من وارد کوفه شدم، دیدم به همراه آن حضرت بانوانی هستند در حالی که سپاهیان یزید اطراف ایشان را گرفته اند و مردم کوفه برای تماشای آنها از خانه ها بیرون شده اند و آنان بر شتران بی جهاز سوارند، زنان کوفه از مشاهده آن منظره به گریه درآمدند و ناله و شیون سر دادند، علی بن حسین را دیدم که از رنج بیماری لاغر شده در حالی که غل به گردن داشت و دستهای مبارکش را به گردنش بسته بودند. او با صدای ضعیفی می گوید: «اگر این مردم به حال ما گریه می کنند و به خاطر ما نوحه سرایی می نمایند پس چه کسی ما را کشته

است؟»

کردند. در آنجا نیز زنان اهل بیت و امام سجاد علیه‌السلام به دفاع از اسلام و قیام کربلا پرداختند. سپس امام زین العابدین علیه‌السلام در مسجد جامع اموی با بیان خطبه‌ای غرّاً در میان مردم شام، یزید و امویان را رسوا نمودند.

پس از این رسوایی یزید، رویکرد رفتاری خویش را با اهل بیت پیامبر تغییر داد و تصمیم به دلجویی از آنان گرفت و پس از مدتی با عزت و احترام تمام آنان را به مدینه بازگرداند.

دوران امامت امام سجاد علیه‌السلام

امام زین العابدین علیه‌السلام پس از شهادت پدر ارجمندش امام حسین علیه‌السلام به مقام امامت نایل آمد و به مدت ۳۵ سال عهده‌دار مقام عظیم ولایت و امامت شیعیان بود.

دوران امامت امام سجاد علیه‌السلام با زمامداران ذیل معاصر بود:

۱. یزید بن معاویه از بنی‌امیه؛
۲. معاویه بن یزید از بنی‌امیه؛
۳. عبدالله بن زبیر از زبیریان؛
۴. مروان بن حکم از بنی‌امیه؛
۵. عبدالملک بن مروان از بنی‌امیه؛
۶. ولید بن عبدالملک از بنی‌امیه.

سال‌های ابتدایی امامت حضرت زین العابدین علیه‌السلام، سال‌های پر التهابی در جهان اسلام بود. این سال‌ها که مصادف با ایام خلافت یزید تا سال‌های ابتدایی خلافت عبدالملک مروان بود، در

پس از مدتی توده‌های مردم اطراف امام زین العابدین علیه‌السلام حلقه زدند. امام علیه‌السلام تصمیم گرفتند تا از این فرصت استفاده کرده و با ایراد خطبه‌ای، آنها را متوجه جرم بزرگی که مرتکب شده و جنایتی که نسبت به خود و تمام امت اسلامی روا داشته‌اند، بکنند. به همین دلیل خطبه‌ای در شهر کوفه بیان نمودند.

پس از بیان خطبه در میان مردم کوفه، امام سجاد (علیه‌السلام) به همراه حرم اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد کاخ عبیدالله بن زیاد شدند. در روایتی ابن زیاد و امام زین العابدین علیه‌السلام، ابن زیاد تصمیم بر قتل حضرت گرفت که با فداکاری عمه‌اش حضرت زینب کبری سلام الله علیها، او از تصمیم خویش منصرف شد.

پس از آنکه امام سجاد علیه‌السلام و زنان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) چند روزی را در کوفه گذراندند، به دستور ابن زیاد، کاروان اسرا به همراه شمر بن ذی الجوشن راهی دمشق، پایتخت خلافت امویان شدند. ورود اهل بیت امام حسین علیه‌السلام به شام با سختی‌های طاقت فرسایی همراه بود. زمانی که از امام سجاد (علیه‌السلام) پرسیده شد سخت‌ترین مصائب شما در سفر کربلا کجا بود؟ در پاسخ حضرت سه بار فرمود: (الشام الشام الشام). پس از آنکه کاروان اسرا وارد شهر دمشق شدند، آنان را در خرابه‌ای از خرابه‌های شام اسکان دادند و فردای آن روز اهل بیت امام حسین علیه‌السلام را در مجلس یزید حاضر

مناطقى چون حجاز و عراق شورش‌هاى بسيارى به وقوع پيوست. به گونه‌اى كه پس از مرگ يزيد بن معاويه، حتى بين خود امويان نيز بر سر خلافت اختلاف افتاده بود.

با توجه به سوابق مناسبات علويان با امويان، امام مورد سوءظن شديد امويان بود و كوچكترين حركتى از ناحيه امام، عواقب وخيمى داشت كه طبعاً در نظر امام ارزش دست زدن به اين اقدامات را نداشته است. مهمترين اصل دينى - سياسى كه امام با استفاده از آن روزگار سياسى خود را مى‌گذراند، تقيه بود. سپرى كه شيعيان در تاريخ، با استفاده از آن، حيات خويش را تضمين کرده و ائمه شيعه بارها توجه بدان را گوشزد شيعه کرده اند. اهل سنت به دليل در اختيار داشتن حكومت، نيازى به تقيه نداشته و تنها براى متهم كردن شيعه، تقيه را از حوزه احكام فقهى مسلم اسلامى خارج کردند. امام سجاد عليه السلام در روايتى فرمود: كسى كه امر به معروف و نهى از منكر را ترك گويد، همچون كسى است كه كتاب خدا را كنار نهاده و بدان پشت کرده است؛ مگر آنكه در تقيه باشد. از امام پرسيدند: تقيه چيست؟ فرمود: ترسد از جبار ستم كار كه تعجيل نمايد در عقوبت او يا طغيان كند در تعذيب او.

كه در ميان قوم خويش همچون بنى اسرائيل در ميان آل فرعون هستيم. فرزندان ما را مى‌كشند و زنان را به كنيزى مى‌بردند. مردم با دشنام دادن به بزرگ و سيد ما، به دشمنان ما تقرب مى‌جويند. اگر قریش با داشتن محمد صلی الله عليه و آله بر ساير اعراب فخر مى‌كند و اگر عربها به دليل داشتن محمد صلی الله عليه و آله بر عجم فخر مى‌كنند و آنها نيز چنين فضيلتى را براى عربها و قریش پذيرفته‌اند، ما اهل بيت مى‌بايد بر قریش برترى داشته و فخر كنيم؛

زيرا محمد صلی الله عليه و آله از ميان ما اهل بيت است. اما آنان حق ما را گرفته و هيچ حقى براى ما نيمى‌شناسند. اگر نيمى‌دانى روزگار چگونه مى‌گذرد، اين گونه مى‌گذرد كه گفتيم».

ناقل حديث مى‌گويد: امام به گونه‌اى سخن مى‌گفت كه مى‌خواست كسانى كه نزديك بودند بشنوند. بيشر دوران امامت امام سجاد عليه السلام مصادف با خلافت عبدالملك بن مروان و پسرش وليد بود. اين ايام اوج قدرت امويان در جهان اسلام بود و اتخاذ هر سياستى به جز تقيه توسط امام، برابر با نابودى شيعه بود.

امام سجاد و واقعه حره

مدتى بعد از واقعه كربلا، مردم مدينه ضمن شورش عليه امويان، شورش حرّه را سامان دادند. اين شورش به رهبرى عبدالله، فرزند حنظله، معروف به غسيل الملائكه بود كه رنگ آن ضد

امام سجاد عليه السلام واقعا در شرايط سختى زندگى مى‌کردند و جز تقيه راه ديگرى نداشت. در روايتى آمده است كه كسى بر امام وارد شد و پرسيد: چگونه روزگار را مى‌گذرانيد؟ امام در پاسخ فرمودند: «روزگار را به گونه‌اى مى‌گذرانيم

به سبب عدم حمایت از حسین بن علی علیه السلام و شهید شدن به عنوان تنها راه پذیرش این توبه. در این حرکت نامی از محمد بن حنفیه نیز وجود ندارد.

امام سجاد و قیام مختار

در مورد رابطه مختار و امام گزارش‌های ضد و نقیض بسیاری وجود دارد. به دلایل مختلفی نمی‌توان باور کرد که امام سجاد علیه‌السلام درباره مختار فرموده باشد: «یکذب علی الله و علی رسوله؛ او بر خدا و بر رسولش دروغ می‌بندد». به ویژه این که وقتی مختار سر عبیدالله زیاد را برای آن حضرت فرستاد، فرمود: «جزی الله المختار خیرا؛ خدا به مختار خیر دهد». و نیز آمده است که در آن هنگام «لم یبق من بنی هاشم أحد الا قام بخطبة فی الثناء علی المختار و جمیل القول فیه؛ یعنی از بنی هاشم کسی باقی نماند مگر اینکه خطبه‌ای خواند و مختار را ثنا گفته و در مورد او سخنان زیبا گفت.»

تریت شیعیان و یاران جدید

حسین بن عبد الوهّاب می‌گوید: «امامت در عصر امام سجاد علیه‌السلام پوشیده و مخفی بود، جز در نظر آن گروه از مؤمنان که از آن حضرت پیروی می‌کردند.» گروهی از عوامل خطرناک دستگاه جور، امام علیه‌السلام را احاطه کرده بودند و مانع از اظهار مسائل و مطالب مربوط به امامت و بیان

اموی و علیه یزید و زندگی ضد اسلامی و غیر دینی او بود. امام سجاد علیه‌السلام و دیگر هاشمیان موضع موافقی در این ماجرا نداشت. حتی هنگامی که مردم در آغاز امویان را از شهر بیرون راندند، امام از روی غیرت و مردانگی، همسر مروان بن حکم را نیز بنا به درخواست مروان پناه داد. زمانی نیز که مسلم بن عقبه، فرمانده سپاه اموی، حرکت مردم مدینه را سرکوب کرد و یکی از بزرگترین جنایات عصر اموی را مرتکب گردید، با علی بن حسین علیه‌السلام به ملایمت برخورد کرد و این به دلیل آن بود که امام در این حرکت شرکت نداشت. قبل از آمدن امام نزد مسلم، او به امام و اجدادش دشنام می‌داد. اما زمانی که امام وارد شد، او به آرامی با آن حضرت برخورد کرد. وقتی امام رفت، از مسلم درباره این برخوردش پرسش کردند و او گفت: ما کان ذلک لرأی منی لقد ملئ قلبی منه رعبا. یعنی این برخورد دوم خواسته من نبود، اما قلب من از رعب و وحشت پر شد.

امام سجاد و قیام توابین

رهبری قیام توابین را سلیمان بن سرد خزاعی، به همراهی تنی چند از دیگر سرشناسان شیعه در کوفه بر عهده داشتند. به نظر می‌رسد رابطه سیاسی خاصی بین امام سجاد علیه‌السلام و توابین وجود نداشته و آنچه بیشتر رنگ نهضت را شیعه نشان داد، شرکت فعال معروفین شیعه کوفه در این نهضت و مایه‌های عاطفی آن است. یعنی توبه

به بیست نفر نمی‌رسد. در حالی که در عراق افراد بیشتری وجود داشتند که به آنها علاقه‌مند بودند. شیخ الطائفه، تعداد اصحاب امام سجاد علیه السلام را یکصد و هفتاد و سه نفر دانسته است که این نشان دهنده تربیت شیعیان در طول این سال‌ها توسط امام سجاد (علیه السلام) می‌باشد.

فضائل و مناقب امام

عبادت

مالک بن انس می‌گوید: علی بن حسین در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند تا اینکه از دنیا رحلت کرد. لذا به ایشان «زین العابدین» می‌گویند.

ابن عبد ربّه نیز می‌نویسد: هنگامی که علی بن حسین آماده نماز می‌شد، لرزه عجبی وجودش را فرا می‌گرفت. از ایشان در این باره سؤال شد، فرمود: «وای بر شما! آیا می‌دانید که من در برابر چه کسی می‌خواهم بایستم و در برابر چه کسی می‌خواهم مناجات کنم؟!»

همچنین از مالک بن انس نقل شده است هنگامی که علی بن حسین احرام بست، لبیک اللهم لبیک را قرائت کرد و در همان لحظه، بیهوش شده و از مرکب خود به زمین افتاد.

اصول و فروع حق و حقیقت می‌شدند، مگر به گروه اندکی از خواص و شیعیان اظهار می‌فرمود. کَشی در شرح حال سعید بن مسیب نقل می‌کند که فضل بن شاذان گفت: «در زمان علی بن حسین علیه السلام در آغاز کار جز پنج تن: سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر بن مطعم، یحیی بن ام طویل و ابو خالد کابلی کسی نبود و تنها این پنج نفر معتقد به امامت بودند و جز اینها کسی بر این عقیده نبود.»

به هر حال، امام موفق به بقای شیعه و حتی گسترش آن گردید. روش فقهی آن حضرت، نقل احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق امام علی علیه السلام بود که شیعیان تنها آن احادیث را درست تلقی می‌کردند. بدین صورت شیعه اولین قدم‌های فقهی خود را در مخالفت با انحرافات موجود برداشت؛ گرچه بخش اعظم این کار به زمانی پس از آن موکول گردید. امام سجاد علیه السلام در وقت گفتن اذان، جمله «حی علی خیر العمل» را در آن می‌آوردند. وقتی ایشان مورد اعتراض قرار گرفت، فرمودند: «هو الاذان الأوّل، اذان نخستین به این صورت بود.»

اضافه بر آن، برکناری از انحرافات عراق موجب حفظ مبانی اعتقادی اصیل شیعه در برابر انحرافات گردید. علی‌رغم تلاش‌های مهم امام، که البته موجب بقای شیعه گردید، مدینه به خاطر کج‌روی هایی که از صدر اسلام در آن نهاده شده و علیه شیعه تحریک شده بود، جای مناسبی برای رشد شیعه نبود و امام سجاد علیه السلام خود می‌فرمود که دوستان واقعی آنها در مکه و مدینه به

کمک به فقرا

امام سجاد(ع) بسیار به فقرا و مستمندان کمک می کرد و به آنها شبانه و مخفیانه غذا می داد. از ابو حمزه ثمالی نقل شده است علی بن حسین(ع) شبانه مقداری غذا بر دوش خود می گذاشت و در تاریکی شب به صورت مخفیانه به فقرا می رساند و می فرمود: «صدقه ای که در تاریکی شب داده شود، غضب خداوند را خاموش می کند.» برداشتن کیسه های غذا بر پشت او اثر نهاده بود و چون به جوار پروردگار رفت به هنگام غسل، آن نشانه ها را بر پشت او دیدند.

گفته شده هنگامی که مستمندی نزد او می آمد، برمی خواست و حاجت او را روا می کرد و می گفت: صدقه پیش از آنکه به دست خواهنده برسد، به دست خدا می رسد. نقل شده امام سالی، قصد حج کرد. خواهرش سکینه توشه ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت. چون به حره رسید، آن توشه را نزد او بردند. امام همه آن را میان مستمندان تقسیم کرد.

محمد بن اسحاق می گوید: مردمی در مدینه زندگی می کردند و نمی دانستند معاش آنها از کجا تأمین می شود؛ با درگذشت علی بن حسین غذای شبانه آنان قطع شد. همچنین آمده است که مردم او را بخیل می دانستند و چون به جوار حق رفت دانستند که هزینه صد خانوار را عهده دار بوده است. امام سجاد(ع) دو بار مال خود را با مستمندان قسمت کرد و گفت: خداوند بنده مؤمن گناهکار توبه کننده را دوست دارد.

رفتار با بردگان

از تلاش های امام، که هم جنبه دینی داشت و هم جنبه سیاسی، توجه به بردگان بود؛ قشری که بخصوص از زمان خلیفه دوم(عمر بن خطاب) به بعد و مخصوصا در عصر امویان، مورد شدیدترین فشارهای اجتماعی بودند و از محروم ترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به شمار می رفتند.

امام سجاد(ع)، مانند امیرالمؤمنین(ع) که با برخورد اسلامی خویش بخشی از موالی عراق را به سمت خویش جذب کرد، کوشید تا حیثیت اجتماعی این قشر را بالا برد.

نقل شده است امام سجاد(ع) در حالی که نیازی به بردگان نداشت، آنها را جهت آزاد کردن می خرید. بردگان که چنین نیتی از امام می دیدند، خود را در معرض او می نهادند تا امام آنها را بخرد. امام سجاد(ع) در هر زمان و موقعیتی به آزادی آنها می پرداخت، به طوری که در شهر مدینه عده زیادی، همچون یک لشکر از موالی آزاد شده، از زن و مرد، به چشم می خورد که همگی از موالی امام بودند.

آثار بجا مانده از امام سجاد علیه السلام

«صحیفه سجادیه» که محققین، اسم آن را اخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد نهاده اند، مشتمل بر ۵۴ دعا از آن حضرت است. دعای بیستم صحیفه مشهور به دعای مکارم الاخلاق و دعای چهل و هفتم مشهور به دعای عرفه از ادعیه

مشهور در بین عموم می‌باشد. این صحیفه در ضمن دعا، معارف اسلام، سیاست اسلام، اخلاق اسلام، اجتماعیات اسلام، حقانیت شیعه، حقانیت اهل بیت علیهم السلام، انتقاد از ظلم و ظالم، سفارش به حق و حقیقت، و بالاخره یک دوره معارف اسلامی را آموزش می‌دهد. همچنین صحیفه سجّادیه، یکی از نمادهای عرفانی و زاینده اندیشه‌های معرفت‌شناسی امام سجّاد علیه السلام است.

هنگامی که جامعه دچار انحراف شده، روحیه رفاه طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار داده و از نظر سیاسی هیچ روزه‌ای برای تنفس وجود نداشت، امام سجّاد علیه السلام توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرّکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. گرچه ظاهراً مقصود اصلی در این دعاها، همان معرفت و عبادت بوده، اما با توجه به تعابیری که وجود دارد، می‌توان گفت که مردم می‌توانستند از لابلای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام سجّاد علیه السلام آشنا شوند. دعا‌های مزبور نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشت. و این حاکی از آن است که دعا‌های امام سجّاد علیه السلام در جامعه آن روز نفوذ کرده است. در میان ائمه شیعه، امام سجّاد علیه السلام بیشتر از همه به ارائه این‌گونه دعاها شهرت دارد.

برخی دیگر از آثار آن حضرت عبارت است از:

۱. مناسک حج: یکی دیگر از کتب حضرت سجّاد است که فرزندان آن حضرت این کتاب را نقل کرده‌اند.
۲. رساله حقوق: از دیگر آثار گرانسنگ آن حضرت که جامع آداب سلوک فردی و اجتماعی است و محور شرح و بسط زیادی قرار گرفته است، رساله حقوق آن حضرت است.
۳. الجامع فی الفقه: عنوان یکی دیگر از آثار آن حضرت است که ابوحمزه ثمالی نقل کرده است.
۴. صحیفه الزهد: کتاب دیگری است که توسط ابوحمزه ثمالی نقل شده است.
۵. کتاب حدیث: کتاب دیگری که توسط داود بن عیسی از آن حضرت نقل شده است.

شهادت امام سجّاد علیه السلام

مورخین درباره قاتل امام زین‌العابدین علیه السلام با هم اختلاف دارند. بعضی معتقدند امام به دست ولید بن عبدالملک، و برخی دیگر معتقدند به دست هشام بن عبدالملک، که برادر خلیفه بود مسموم شد؛ اما به هر حال، او نیز نمی‌توانست بدون اجازه ولید، مرتکب قتل امام شود. روز شهادت امام سجّاد علیه السلام نیز ۱۸، ۲۲ و ۲۵ ماه محرم نقل شده که روز ۲۵ از شهرت بیشتری برخوردار است. آن حضرت در قبرستان بقیع در کنار قبر مطهر عمویش امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.